



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ادبی» می‌دانند و «بی‌آن هیچ نکته‌ای را نمی‌توان از آثار قدما استنباط کرد و هرگونه نقد تاریخی یا ذوقی و یا لغوی که در باب آثار قدما بشود تا بر متون صحیح معتبر متکی نباشد سندیت و اعتبار ندارد.^۲ از همین رو است که استاد شفیعی کدکنی، عمر گرانسنگ خویش را صرف تصحیح چند متن از امهات متون کلاسیک کرده است و این بار تصحیح مجموعه آثار سبعة عطار را وجهه همت بلند خویش ساخته است. نخستین اثر این مجموعه، **منطق الطیر**، در بهار امسال، فصل

در اهمیت تصحیح متن آمده است: «هر محققى که بخواهد آراء و عقایدش در باب آثار ادبی بی اعتبار و پا در هوا نباشد، باید آن عقاید و آراء را متکی بر متون صحیح و اصیل بنماید و الا تتبع و تحقیق و نقد و بحث او به منزله حرکت و سعی کسی است که بر روی شن و ماسه نرم و لیز و لغزان قدم برمی‌دارد و البته اطمینان نمی‌توان داشت که رهروی چنان در راهی چنین به مقصد برسد.»^۱ از این رو است که تصحیح متون را «خشت اول و رکن اعظم نقد



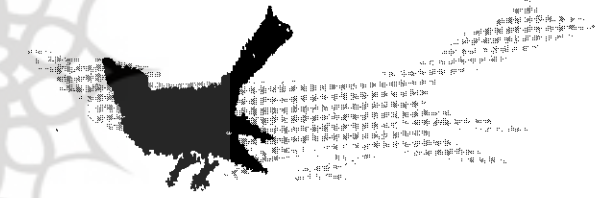
از میان چاپ‌های متعدد **منطق الطیر**، کمتر چاپی، سیمای انتقادی یافته است. چاپ استاد گوهرین در این میان، تا اندازه‌ای مستثناست. اگرچه از «غلط‌های فاحش و شگفت» خالی نیست؛ اما از زمان انتشار آن، ۱۳۴۲، تاکنون مورد توجه قاطبه محققان و مدرسان قرار داشته، شاید قدمت و اعتبار نسخه‌های اساس آن در این امر مؤثر بوده است. پس از چاپ استاد گوهرین، چاپ‌های کم غلط‌تری از این کتاب منتشر شده است؛ اما هیچ کدام از این چاپ‌ها هرگز نتوانستند بر آن تفوق

نغمه‌سرای مرغان، به حلیه طبع آراسته شد. چنانکه انتشار این کتاب از رویدادهای مهم فرهنگی کشور تلقی شد. **منطق الطیر** هم به گواهی نسخه‌های خطی متعدد و هم طبع‌های مختلف آن در ایران و دیگر کشورهای جهان، یکی از موفق‌ترین و مقبول‌ترین آثار سبعة عطار از آغاز تاکنون بوده است و به دلیل همین مقبولیت «در نیم قرن اخیر کوشش برای تصحیح انتقادی این شاهکار بی‌همتای ادبیات عرفانی ایران، هر روز بیش و بیشتر شده است.»^۳

در حرم حبیب الله عباسی

یابند؛ زیرا کاتبان یا مصححان آنها تلاش کرده‌اند «به میل و سلیقه خود «اصالت» سخن عطار را قربانی «فهم و تشخیص» خود کنند و عبارت را به گونه‌ای در آورند که از لحاظ عروض و قافیه و دستور زبان ایرادی نداشته باشد.»^۴ همچنین در این چاپ‌ها به «اصالت اندیشه و رعایت تاریخ زبان و سبک شخصی مؤلف و بوطیقای او»^۵ کمتر توجه شده است. استاد شفیع کدکنی پس از سی سال تحقیق و تدریس و تأمل در مجموعه آثار عطار و تصوف خراسان به گردآوری نسخه‌های کهن و شناخته شده در گوشه و کنار جهان می‌پردازد و آن‌گاه با دقت تمام این نسخه‌ها را مقابله می‌کند و از طریق تطبیق و مقایسه اغلاط و اشتباهات مشترک، آنها را طبقه‌بندی و نسب‌نامه یا شجره‌النسب (genealogie) نسخه‌ها را ترسیم می‌کند. سپس از رهگذر تصحیح به تعبیر لاخمان یا emendaatoin منطلق الطیر تلاش نموده است، نسخه‌اصیل موجود را با پلی به ام‌النسخ که همان نسخه اصلی خط عطار است،^۶ ارتباط دهد و ضمن رعایت توازن میان صحت و اصالت «صورت درست گفتار عطار را از میان انبوه ضبط‌های مختلف با روش علمی و اصول سبک‌شناختی و نقد متون»^۷ آشکار سازد.

این اثر نهصد و اند صفحه‌ای که در برگرفته سه بخش: مقدمه (۱۵-۲۳۰)، متن منطلق الطیر (۲۳۳-۴۴۶) و تعلیقات (۴۴۷-۹۰۳) و در واقع سه کتاب در یک است که با «گزارش کار» سه صفحه‌ای دربارهٔ چند و چون کار آغاز می‌شود و پس از آن بخش‌های سه گانه آن:



۱. مقدمه (۱۵-۲۳۰)

این بخش کتاب شامل پنج قسمت: «از درون و بیرون؛ زبان مرغان؛ شیخ صنعان؛ نسخه‌ها و روش‌ها و روش تصحیح» است. در قسمت نخست مقدمه، «از درون و بیرون» (۱۷-۱۰۱)، که صورت تکمیل شده مقدمه کتاب زبور پارسی است، از موضوعات مختلفی چون: هویت تاریخی، آثار و سرچشمه شعر عطار و شاعران شعر عرفانی حدفاصل سنایی و عطار سخن رفته است و موضوعات دیگر این بخش عبارت‌اند از: غزل عطار، جایگاه او در تذکره دولتشاه، نسبت او با خواجه نصیر طوسی و نسب‌نامه معنوی شاعر، نگاهی دیگر به نام و نشان شاعر، عطارهای شعر فارسی و بوطیقا و جایگاه او در شعر فارسی.

برخی از این موضوع‌ها چندان با اهمیت‌اند که خود می‌تواند موضوع رساله دانشگاهی در سطح دکتری باشد. بعضی از مطالب این قسمت، از جمله «غزل عطار» در نگاه نخست، بایسته این مقام نمی‌نماید؛ اما ذکر این مطلب از آن رو بوده که عطار دارای «یک منظومه زبانی و ذهنی خاص» است و در تبیین این منظومه و بوطیقای شعر او بحث از غزل وی نیز ضروری می‌نموده است.

اهمیت این قسمت از آن رو است که زندگی و شعر عطار از منظرهای تاریخ ادبی، زبانشناسی و سبک‌شناسی مورد کنکاش قرار گرفته است.

قسمت دوم، زبان مرغان (۱۰۲-۱۰۸) که از پیشینه تاریخی منطق الطیرهای شعر فارسی و رساله‌الطیرها و روایت‌های مختلف در باب سیمرغ سخن رفته است، نوعی نقد تکوینی است که روند تاریخی این مضمون را تا زمان عطار به بحث می‌گذارد. قسمت «پرده گشایی از رمزهای پرندگان و گلها» نیز نوعی نقد هرمنوتیکی یا تأویلی است و ذکر روایت‌های مختلف نزهت‌نامه و بحر الفوائد نیز نوعی نقد مبتنی بر «بینامتنیت»^۸ به شمار می‌رود.

اگرچه در کتاب‌های نقد ادبی مدرن، از مباحث نظری نقد تکوینی و بینامتنیت بسیار نوشته‌اند؛ اما در ادبیات فارسی کمتر کسی عملاً به این دو مقوله پرداخته است.

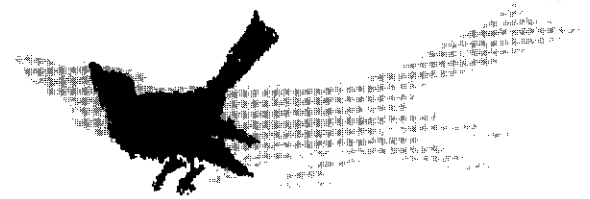
بهترین نمونه و مصداق این دو مقوله قسمت‌های دوم و سوم مقدمه‌اند، به ویژه قسمت شیخ صنعان (۱۸۱-۲۰۸). در این قسمت، ابتدا دیدگاه‌های محققان برجسته معاصر دربارهٔ مأخذ و منشأ این داستان نقل و نقد می‌شود. بر اساس این مستندات، دیگر نه حکایت عبدالرزاق صنعانی منقول در تحفه الملوک غزالی مأخذ اصلی عطار است و نه این کتاب از آن محمد غزالی، بلکه مأخذ این داستان، به اسنادی در قرن چهارم مربوط است. از جمله داستان ابن سقا که در اسناد زندگینامهٔ خواجه یوسف همدانی ذکر می‌شود از آن به میان آمده است و روایتی که در کتاب الفصول ابوحنیفه کرامی و چند داستان منقول در کتاب منتخب رونق المجالس؛ داستان راقدا لیل، ولی‌خانقاه سمرقندی و مؤذن بلخی که روایت دیگری از آن در کشف الاسرار میبیدی و روح الارواح نقل شده و صورت دیگری از آن در نسخه خطی «اخلاق و مواظب» متعلق به کتابخانهٔ مجلس آمده است. تمام این داستان‌های منقول در آثار پیش از عطار، با داستان شیخ صنعان وجوه اشتراک بسیار دارند. عطار از این داستان‌ها آگاه بوده است؛ لذا «با تخیل درخشان خویش از ترکیب این گونه داستان‌ها، این داستان شورانگیز و شگفت‌آور را پرداخته است. چیزی که صورت فشردهٔ آن را در این رباعی قرن پنجم می‌توان دید.

از جور قد بلند و زلف پست

وز کافری نرگس بی می مست

ترسم به کلیسای رومم بینی

ناقوس به دستی و به دستی دست



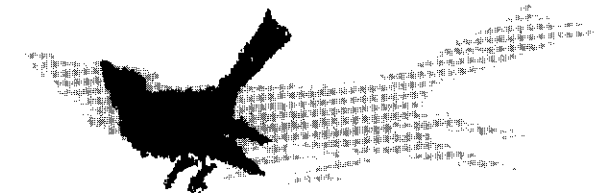
آنچه در داستان شیخ صنعان اهمیت دارد ساختار قصه و حوادث آن است نه نام شیخ صنعان. از آنجا که این حوادث قبل از غزالی به گونه‌های مختلف رواج داشته است، می‌توان گفت که عطار چنانکه عادت اوست این حکایت را در یک متن قدیمی دیده و در آن متن از آمیزش داستان «برصیصا»/ «صنعان» و داستان‌های دیگر چنین تصور و تصحیفی برای او حاصل شده است. کسانی که بعد از عطار بوده‌اند از کلمه «صنعان» به یاد «عبدالرزاق صنعانی» معروف افتاده‌اند و از قرن هشتم به بعد در

کنار نام «صنعان» عبدالرزاق را نیز افزوده‌اند.^۹ جست‌وجو و استقصای این دست به روزگار ما عظیم‌المثل است و بیرون از حوصله نسل‌های ستابزده‌ای که در فرهنگ ترجمه رشد و نمو یافته‌اند.

در قسمت‌های پایانی مقدمه، در «نسخه‌ها و روش ما» و «روش تصحیح» (۲۰۹-۲۳۰)، ابتدا، ضمن «چند نکته عام در نسخه‌شناسی منطق‌الطیر» تصریح شده است نسخه‌های خطی ثبت شده این کتاب در جهان بیش از پانصد نسخه خطی‌اند که اغلب آنها از لحاظ متن‌شناسی کم ارزش‌اند و دارای چندین وجه اشتراک، پس از آن به تفصیل ده نسخه مورد استفاده در این تصحیح معرفی شده‌اند. قدیم‌ترین آنها که اساس کار بوده و از آن با عنوان «مراغی ۱» یاد شده، تاریخ کتابت آن حدود ششصد و هشتاد و اند است و متأخرترین آنها نسخه «استان قدس رضوی» است که در فاصله سالهای ۸۹۷-۹۱۱ کتابت شده است. از چاپ دوتاسی در پاریس به سال ۱۸۵۷ م. و چاپ سنگی اصفهان به سال ۱۳۵۱ هـ. ق نیز استفاده شده و از آنها با عنوان نسخه پاریس و نسخه اصفهان یاد شده است.

در قسمت پایانی مقدمه از روش تصحیح متن سخن رفته است: متن شماره یک ابراهیم بن عوض مراغی اساس قرار گرفته است و تنها در مواردی که وزن و قافیه شعر قابل توجیه نبوده است و برخی کلمات نادر و غریب مانند «رُت» که معنی آنها برای کاتب ناشناخته بوده و تغییر یافته است و همچنین کلماتی که به شهادت نسخه‌های دیگر و قراین متن کاتب بد خوانده است و چند مورد دیگر، از ضبط متن نسخه اساس علول شده است و در برخی موارد نیز به ندرت تصحیح قیاسی‌ای از ترکیب نسخه‌های مختلف انجام گرفته است.^{۱۰} از «قراین متنی»^{۱۱} نیز برای ارائه متنی منقح و نزدیک به متن اصلی استفاده شده است. برای تحصیل این مهم، ابتدا مصحح بر گه‌هایی از «مجموعه زبانی» آثار مسلم عطار تهیه می‌کند،^{۱۲} این امر هم در حل مشکلات زبانی مؤثر بوده است و هم در طبقه‌بندی نسخه‌های قدیمی.

اما نکته دیگری که در این تصحیح لحاظ شده است و در تصحیح‌های دیگر **منطق‌الطیر** آگاهانه یا ناآگاهانه مغفول مانده، آن است که «عطار شاعری است که زبانی متمایز از زبان رسمی شعر قرن ششم و هفتم دارد، و بسیاری از اجزای سخن او را در لهجه نیشابور و به ویژه کدکن (خراسان) می‌توان یافت.»^{۱۳} مصحح از اطلاعات شخصی خود در این زمینه، بسیار بهره جسته است و در تعلیقات بدین موارد اشاره نموده است.

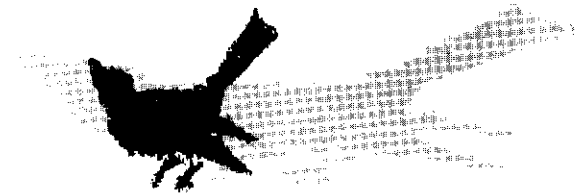


منطق‌الطیر حاضر محصول روش علمی‌ای است. اگر بگوییم این تصحیح جدید باب هرگونه تصحیحی در زمینه این متن را برای همیشه بسته، سخنی اغراق‌آمیز نخواهد بود. در این اثر فواید بسیاری نهفته است از جمله می‌توان قواعد و اصول تصحیح و شیوه‌های علمی آن را از اسلوب استاد در این کتاب و آثار تصحیحی فرا گرفت، اگرچه مصحح

اثر مستقلاً در این موضوع تألیف نکرده باشد، اما این قواعد و اصول را عملاً به ما نشان داده است.

مقدمه نوشتن بر آثار تصحیحی، امری معهود و مرسوم است؛ اما تاکنون کمتر مقدمه‌ای برای متون کهن نگاشته شده است که خود کتابی مستقل باشد. با توجه به گزارش اجمالی محتویات مقدمه، هر خواننده منصفی به غنا و گستردگی آن در حد یک کتاب مستقل اقرار می‌کند و با ما هم‌نوا می‌شود که ای کاش استاد این مقدمه و برخی مطالب دیگر درباره عطار را به صورت کتاب مفردی چاپ می‌کرد؛ اما از آن رو که استاد به مقوله کمیت اهمیت نمی‌دهد و فقط به کیفیت می‌اندیشد و همچنین به دلایل دیگری که بر اهل فن پوشیده نیست، این همه مطالب ارزنده و متمتع را در این مقدمه گنج‌انیده است.

گستردگی و انبوه مطالب مقدمه تا حدی است که هر خواننده را

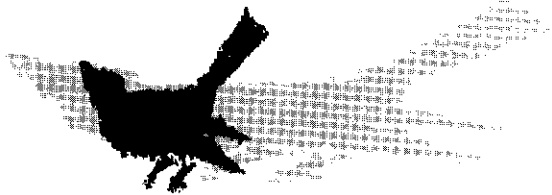


شگفت زده می‌کند، به ویژه از آن رو که انجام چنین تحقیقات پر مشقت و طاقت فرسا، در این روزگار حکم کبریت احمر را دارد، آن هم از سوی کسی که از شاعران نام‌آور عهد ماست. با عنایت به مقدمه و تعلیقات این اثر و آثار دیگر، می‌توان استاد را «پرده دار کعبه میراث ادبی» نامید. اگرچه امر تصحیح، مقدمه‌نویسی و تعلیق‌نگاری، امری رایج و متداول است؛ اما «زین حسن تا آن حسن صد گز رسن».

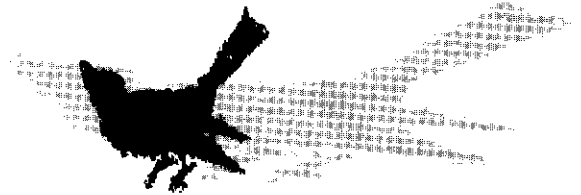
۲. متن منطق‌الطیر (۲۳۳-۴۴۶)

بخش دوم کتاب شامل متن ۴۷۲۶ بیت پیراسته و تنقیح شده است. «منظومه منطق‌الطیر، نمایشگاه ذوق و هنر قوم ایرانی است که در خلال آن نبوغ و نگاه شگرف صدها هنرمند قبل از عطار نیز حضور دارد. هر داستان کوچکی از داستان‌های منطق‌الطیر حاصل ذوق روایت‌کنندگان این حکایت‌هاست که در طول قرون و اعصار بدان پرداخته‌اند. و هر ذوقی، با شیوه روایت خویش، آن حکایت کوتاه و ساده را ژرفا و جلای بیشتری بخشیده است، تا آنگاه که به دست هنرمند بزرگی چون عطار رسیده و در ترکیب نهایی خویش به صورت یکی از شاهکارهای ادبیات جهان در آمده است. اگر **منطق‌الطیر** را که یک مجموعه «فکری» و «هنری» است که به کوچک‌ترین اجزای سازنده آن بازگردانیم خواهیم دید که چه در عرصه «حکایت»‌ها و چه در عرصه «اندیشه»‌ها و چه در میدان «تصاویر شعری» هیچ کدام کوشش فردی عطار نیست. اجزای این تشبیهات و استعاره‌ها و کنایات را می‌توان در آثار قبل از او یافت و تک تک این حکایت‌ها را در متون منظوم و منثور قبل از او جست‌وجو کرد و تمامی این اندیشه‌های عرفانی در میراث روحی عارفان قبل از عطار، از یازید تا احمد غزالی پراکنده است و دارای پیشینه. با این همه هفت قرن است که جهان مسحور شیوایی منطق‌الطیر عطار و خلاقیت ذهن اوست».^{۱۴}

با استفاده از روش علمی، متنی از این کتاب بازسازی شده که به



متن اصلی یا ام‌النسخ بسیار نزدیک شده است. ایرادی که بر این تصحیح به ظاهر وارد است، عدم ذکر نسخه بدل‌ها و ضبط‌های دیگر در هامش هر صفحه یا در پایان متن به روش مرسوم است. اما این کار بی‌دلیل نیست و قطعاً دلیل یا دلایل متقنی دارد. اما عدم ذکر نسخه بدل‌ها، به اعتقاد بنده از آن‌رو بوده است که اغلب، طیف گسترده و متنوع خوانندگان کتاب را با نسخه بدل‌ها، چندان کاری نیست، دیگر آنکه متن عمدتاً مبتنی بر نسخه‌اساس است، جز آن دسته ابیاتی که داخل گروهه [] هستند و برخی موارد که در تعلیقات بدانها اشاره شده است. به قولی مقرر است که تمام نسخه بدل‌های آثار عطار در مجلد جداگانه‌ای و در تیراژ محدودی برای اهل فن منتشر شود. از دیگر امتیازهای بی‌شمار



متن اشعار، مشکول بودن و رسم الخط کار آمدتر آنهاست.

۳. تعلیقات (۴۴۷ - ۷۸۴)

هم در مقدمه و هم در بخش‌های دیگر کتاب، به ویژه تعلیقات آن «گریز از ابتدال» و «اهمیت روش علمی» را در تصحیح و تحشیة یک متن می‌آموزیم. تعلیقات حجیم‌ترین بخش کتاب است، زیرا در آن سعی شده «خواننده را در جریان تمام مشکلات و اشارات و نکات مورد نظر عطار قرار دهد و در راه نوشتن این شرح و تفسیرها سعی بر آن بوده است که تمام ارجاعات به منابع کهن و آثاری باشد که عطار از آنها خبر داشته و یا آنها را خوانده بوده است. البته در کنار آن منابع کهن، مصحح از دیگر آثار عطار، همچون تذکره الاولیاء، الهی نامه، مصیبت نامه، اسرار نامه، مختار نامه و دیوان عطار بیشترین بهره را برده است، زیرا معتقد است هر مؤلف، یک منظومه زبانی و ذهنی خاص خود دارد که در تمام آثار او به طور یکسان جاری است و هر عبارتش می‌تواند عبارت دیگر او را تفسیر و عنداللزوم اصلاح کند. حجم تفسیرها و توضیحات، به ضرورت مقام متفاوت است زیرا کوشش بر آن بوده است که اطلاعات مورد نیاز خواننده جدی و علاقه‌مند، از هر جهت، فراهم آید و با این همه از هر گونه برف انبار منابع دکوراتیو و تزینی و دادن اطلاعات حشو و حاشیه‌ای چشم پوشی شود»^{۱۴}.

چنانکه گذشت، تعدد و تکرر تعلیقه‌ها بسیار گسترده و چشمگیر است، حدود ۲۵۰۰ تعلیقه (لغت، ترکیب، اسم و ...) در این بخش شرح، تفسیر و معنی شده است. که برخی از آنها کوتاه، در حد چند کلمه‌اند و برخی در حد یک مقاله مستقل^{۱۵} البته برای آنکه خوانندگان فرهیخته بهتر بتوانند شگرفی و شگفتی این اثر را دریابند، باید خود بنان مراجعه کنند، چه شنیدن کی بود مانند دیدن. همه این نکته‌سنجی‌ها در باب کتاب به ظاهر نسبتاً ساده و همه کس خوان منطوق الطیر است.

در اینجا به طبقه‌بندی موضوعی و ساختاری این تعلیقه‌ها و ذکر نمونه‌ای چند از هر یک بسنده می‌کنیم تا خود از این مجمل حدیث مفصل بخوانید:

۱. تلمیحات و اشارات: تقریباً تمام تلمیحات و اشارات قرآنی، حدیث نبوی، تاریخی، اساطیری و ضرب‌المثل ابیات منظومه تبیین شده است. تلمیحات قرآنی و دینی بیشتر در آغاز کتاب نمود دارد. شمار این نوع تلمیحات چندان است، که در کمتر صفحه‌ای نمونه‌ای از آنها را نتوان یافت. از موارد دیگر می‌توان به یادداشت‌های بیت ۳۴۵۶ که به ضرب‌المثل معروف عربی اشاره دارد و بیت ۳۴۹۶ که به داستان ابراهیم خلیل و بیت‌های ۵۲۵ و ۴۹۸ به داستان عمر و پسرش و احوال اویس قرنی پرداخته است، اشاره کرد.

۲. مأخذ اقوال و حکایات: از شگرف‌ترین قسمت‌های تعلیقات است، یعنی جستن پیشینه بسیاری حکایات و اقوال در آثار قبل از عطار از جمله ابیات: ۱۷۱۶، ۱۸۸۸، ۲۳۸۴، ۲۴۳۲، ۲۴۵۳، ۳۰۷۵.

۳. معرفی اعلام: اعلام تاریخی و مکانی نادر و ناشناخته به تفصیل معرفی شده‌اند و اگر ندرت‌آرد و نشانی از این اعلام نادر یافته نشده به آن تصریح شده است از جمله، شیخ غوری ۲۶۴۵. دو نکته در باب این تعلیقات گفتنی است، نخست اینکه شرح حال‌ها مختصرند، اما به دقیقه یا دقائق اصلی زندگی و جایگاه هر کدام در تاریخ و زمینه مربوط، اشاره شده است و دو دیگر آنکه این اعلام براساس متقن‌ترین منابع و عمدتاً آثار قبل از عطار معرفی شده‌اند. این منابع در مراجع عصر حاضر که درباره زندگی و آثار این اعلام نوشته شده، کمتر مورد استناد بوده است.

۴. معنی لغات: تریکیات. در معنی واژگان و تریکیات هم به متون قبل از عطار و هم به کاربرد آنها در دیگر آثار شاعر توجه شده است. این قسمت از تعلیقات که همانند قسمت‌های دیگر در نوع خود منحصر به فرد است، هم برای خوانندگان کتاب مفید است و هم برای فرهنگ‌نویسان. امتیاز عمده این تعلیقات آن است که معنی واژگان و تریکیات از فرهنگ نقل نشده است؛ بلکه معنی محصول عنایت به بافت کلام در این متن و متون دیگر خود شاعر یا هم‌عهد و پیش از وی است. از این رو معنی واژه‌هایی مانند آغشته (بیت ۴۷۰۷) در هیچ فرهنگی نیامده است.

۵. معنی مصراع و بیت: در چندین مورد از تعلیقات، مصراع‌ها یا ابیات کامل منظومه معنی شده‌اند و این معنی‌ها و توضیحات برای خوانندگان راه‌گشاست از جمله ۱۰۷۹، ۱۳۳۲، ۲۸۴۵، ۴۱۶۰.

۶. کنایات: اغلب کنایات کتاب که بسامد بالایی هم دارند، استخراج شده و به معانی و پیشینه آنها در متون دیگر شاعر یا قبل از آن اشاره شده است از جمله ۴۵۴۴، ۴۶۶۳، ۴۷۰۰ و ...

۷. تصحیح: چندین تعلیقه به تبیین تصحیح‌های قیاسی مبتنی بر نسخه‌های متعدد و اختلاف نسخه بدل‌ها اختصاص دارد، در این موارد به علت علول مصحح از ضبط نسخه اساس تصریح شده است، از جمله یادداشت‌ها مختص ابیات ۷۸۶، ۱۱۴۹، ۲۰۴۹، ۲۶۴۰، ۱۷۷۹، ۴۵۶۴ و ...

۸. ذکر وزن عروضی بعضی کلمات: در چند یادداشت این بخش به ضبط معادل عروضی برخی واژگان پرداخته است. از آن‌رو که با تلفظ امروزی آنها متفاوت است و خواننده با مشکل روبه‌رو می‌شود. این امر نیز تأییدی است بر تمایز زبان عطار از زبان رسمی عهد وی. از جمله

رجوع شود به تعلیقات ابیات ۸۸، ۱۷۹، ۶۵۸، ۲۱۱۱.

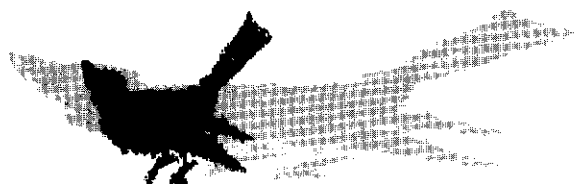
۹. دقایق بلاغی و کلامی، در یادداشت‌های متعددی از این بخش به توضیح ظرافت‌های ادبی و بلاغی شعر عطار در این منظومه که عمدتاً بیان نقیضی است پرداخته شده است از جمله ابیات، ۴۰۰۹، ۴۲۹۷، ۴۳۲۳، ۴۶۸۱ و... و دقایق کلامی و فلسفی ابیات متعددی مانند ۲۷۸، ۶۴۹، ۷۸۱، ۱۹۰۷، ۳۸۳۱، ۳۸۸۸، ۳۹۹۲، ۴۳۰۵ براساس منابع معتبر پیش از عطار شرح و توضیح داده شده است.

۱۰. ساخت دستوری: در شمار زیادی از تعلیقات به ساخت یا ساختار دستوری زبان عطار در این منظومه که از زبان رسمی قرن ششم و هفتم متمایز است، اشاره شده است از جمله ابیات ۴۳۸، ۵۸۶، ۲۸۳۷ و... . مقدمه و تعلیقات که محصول دو نگاه شامل و جزئی نگراست، حول محور یکی از اضلاع مثلث شعر عرفانی فارسی - حدیقه، منطق الطیر، مثنوی - می چرخد. مصحح در پرتو اطلاعات وسیع و عمیق خویش توفیق یافته است علاوه بر بازسازی متن منطق الطیر در پرتو قرائت جدید خود از آن، نظام عرفانی شعر فارسی را نیز باز آفرینی کند یا به عبارت دیگر با آتش ذوق و روغن شناخت خود از میراث فرهنگی کهن، این چراغ در حال احتضار را چنان زنده نگه‌دارد که پرتو آن همه جا را فراگیرد. آنچه از این تعلیقات مسبوط می‌توان دریافت، علاوه بر تنوع و تکثر موضوعات که بیشتر بدان اشاره شده است، تنوع و تعدد منابع و مآخذ برخی تعلیقه‌ها است که تا مرز چهل هم می‌رسد و بعضی از آنها چندان مسبوط‌اند که حکم مقاله‌ای مستقل را دارند. اشارات بسیار به شعر شاعران هم‌عهد و پیش از عطار و حافظ از نکات برجسته این تعلیقات است که به فهم شعر عطار و دیگر شاعران و به ویژه حافظ مدد می‌رساند. اهمیت و ارزش تعلیقات به جهت گستردگی و انبوه مطالب نیست، بلکه به جهت اختیار رویکردهای نوین و متنوع به این متن کهن است، چنانکه چندین رویکرد انتقادی را عملاً در این اثر می‌توان دید:

۱. نقد تفسیری ۲. نقد تکوینی ۳. بینامتنیت ۴. نقد تصیحی ۵. نقد بلاغی و ادبی ۶. نقد زبان شناختی ۷. نقد تأویلی.

پایان بخش کتاب فهرست‌های متنوعی است که در نوع خود بسیار کارآمدند: فهرست اعلام متن (۷۸۵-۷۸۸)، راهنمای تعلیقات (۷۸۹-۸۱۶)، کشف الایات (۸۱۷-۸۸۲) و مشخصات مراجع (۸۸۳-۹۰۳). آنچه در میان قسمت‌های پایانی کتاب بیشتر جلوه نمایی می‌کند، قسمت مشخصات مراجع است. شمار این منابع و مراجع، اعم از کتاب‌های چاپی و نسخه‌های خطی، از چهارصد اثر بیشتر است. تنوع و تکثر این آثار کهنه و نو، عربی و فارسی و انگلیسی، به حدی است که هر محقق - چه رسد به خواننده معمولی - شگفت زده و انگشت به دهان می‌ماند. علاوه بر اینکه این مراجع اصیل برای کلاس درس مرجع‌شناسی معتبر است، مآخذ معتبری برای محققان و پژوهشگران می‌تواند باشد.

سخن آخر آنکه منطق الطیر به تعبیر منتقدان مدرن «درون متنی» است که متون مختلف را در خود جای می‌دهد و حضور آنها را منعکس می‌کند. این متن به تعبیر باختن «مکالمه‌ای» با متون دیگر است. عطار منابع مختلف پیش از خود را مطالعه و نظام‌های نشانه‌ای ادبی و غیرادبی



را به نظام ادبی تبدیل کرده است و بافت جدیدی از دقایق، اشارات و ساختارهای قدیمی ادبی و غیرادبی پدید آورده. این کتاب دارای بافتی با زبان اشاره‌ای است که معانی متن را به نهایت گستردگی و خلاقیت می‌رساند و به کردار موزائیک با «کاشی کوچک متراکمی» جلوه می‌کند که انواع متن در آن با تکنیک‌های مختلف ادغام شده‌اند.

منطق الطیر مصداق بارز این قول رولان بارت است که متن را هم‌زیستی معانی صرف نمی‌داند، بلکه آن را گذرگاه و بافتی از مواد و تجارب گوناگون «نورها، رنگ‌ها، گیاهان، گرما، هوا، صداها، آواز پرندگان و لباس‌های ساکنین دور و نزدیک و نقل قول‌هایی بدون علامت نقل قول»^{۱۶} می‌داند.

استاد شفیع این متن شگرف و «سهل و ممتنع» را مجدداً بازآفرینی و «تولید» کرده است. از آن رو که «متون متکثر و چندبعدی برای مصرف کردن نیست؛ بلکه برای تولید کردن است»^{۱۷}.

پانویس‌ها:

* عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم

** منطق الطیر عطار، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمدرضا شفیع کدکنی،

انتشارات سخن ۱۳۸۳.

۱. زرین کوب، عبدالحسین، **یادداشت‌ها و اندیشه‌ها**، جاویدان، تهران ۱۳۶۲، ۲۶-۲۷.

۲. همانجا، ۲۸.

۳. عطار، **منطق الطیر**، ۱۲.

۴. همانجا، ۱۳.

۵. همانجا، ۱۳.

۶. زرین کوب، همان، ۲۸.

۷. عطار، همان، ۱۳.

۸. بینامتنیت یا بینامتنی (Intertextuality) به تعبیر اعراب «التناس» در اصطلاح به

رابطه‌ای اطلاق می‌شود که میان دو یا چند متن وجود دارد. این رابطه در چگونگی درک «درون

متنی» مؤثر است. در این زمینه ر. ک. مقدادی، بهرام، فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی،

تهران، فکر روز ۱۳۷۸، ۱۱۲-۱۱۸، مفتاح، محمد، تحلیل الخطاب الشعری، النار البیضا،

المركز الثقافی، ۱۹۹۲، فضل، صلاح، بلاغہ الخطاب و علم النص، الکویت، عالم المعرفه

۱۹۹۲ و ترجمه کتاب Intertextuality، Allen، Graham، به فارسی ترجمه پیام

بزدانجو، مرکز، تهران ۱۳۸۰.

۹. همانجا، ۲۰۷.

۱۰. همانجا، ۲۲۲-۲۲۷.

۱۱. همانجا، ۲۲۸.

۱۲. عطار، همان، ۲۲۸-۲۲۹.

۱۳. همانجا، ۱۱۰-۱۱۱.

۱۴. همانجا، ۱۳.

۱۵. از جمله رجوع کنید به تعلیقات پرده بازی (۶۳۵-۶۳۹)؛ هفت وادی (۷۰۲-۷۰۴) و

قلندر (۷۱۸-۷۲۲) که حکم مقاله‌ای مستقل را دارند.

۱۶. مقدادی، بهرام، فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، از افلاطون تا عصر حاضر،

تهران، فکر روز، ۱۳۷۸، ۱۱۴.

۱۷. همانجا، ۱۱۴-۱۱۵.